

قومی درپی این حرکت مردمی و اسلامی پیش رفتند. این وضعیت جدید درواقع تکیه به یک تجربه پیروز داشت و این تجربه پیروز، خود انقلابی اسلامی بود که با تکیه بر مبارزات مردمی و اسلامی توانسته بود قدرتمندترین پایگاه‌های نظامی و سیاسی امریکا در منطقه یعنی رژیم پهلوی را ساقط کند و یک نظام اسلامی و مردمی را در این سرزمین روی کار بیاورد و استقامت کند.

باوجود جنگ تحمیلی، ایران ماند و با کمبود امکانات در دفاع مقدس پیروز شد و این موضوع، در فضای بآسی که مبارزات عربی و قومی فلسطینی ایجاد کرده بودند، نقطه امیدی را پدید آورد؛ به عبارت دیگر، تجربه ناکام رفت و نتیجه موفق در عرصه بین الملل جایگزین شد. در عرصه داخلی نیز مردم و ایدئولوژی اسلام جای گروه‌های صرفاً قومی و مشی صرفاً مسلحانه را گرفتند و درنهایت، حال و هوای فلسطین تغییر یافت. این تغییرات سبب پیدایش گروه‌های جدیدی در فلسطین بر مبنای ایدئولوژی اسلام و توده‌های مردم شد که نماد این حرکت «جنبش حماس» به رهبری شیخ احمد یاسین، روحانی اهل سنت مبارز در غزه است.

#### ◀ ترور چهره‌های مقاومت فلسطین بی نتیجه بود

اسرائیل به‌مرور متوجه شد که تغییراتی کیفی در مبارزات فلسطینی‌ها پدید آمده است و بعد از آنکه گروه‌های قومی به بن بست رسیده و اسرائیل توانسته است بر آنها فائق بیاید، شخصیت‌ها و گروه‌های جدیدی پدید آمدند که اساساً رویه جدیدی را در پیش گرفتند و مبارزات کیفی و عمقی را در بین فلسطینیان شکل دادند و به‌آرامی جریان متکی به «خود» هم «خود حقیقتی» یعنی اسلام و هم «خود اجتماعی» یعنی توده‌های مردم فلسطین - در حال پدید آمدن است که اگرایان افراد و گروه‌ها ورود پیدا کنند، اسرائیل با سازمان «آزادی بخش فلسطین» یا جریان نظامی «جنبش فتح» مواجه نیست چراکه اسرائیل می‌توانست بر سازمان آزادی بخش فلسطین که گرایش‌هایی به سمت دولت‌ها داشت (اساساً سازمان آزادی بخش فلسطین در تلاش بود رابطه انضمامی مشخصی با دولت‌های عربی داشته باشد؛ به تعبیر دیگر، در چهارچوب کشورهای عربی و اتحادیه عرب فعالیت می‌کرد و تبدیل به سازمانی نسبتاً رسمی شده که توانسته بود در سازمان ملل یک کرسی به عنوان ناظر به دست آورد)، مدیریت داشته باشد. عمق، تاکتیک‌های مبارزه، ظرفیت، شخصیت‌ها و سیاست‌های این سازمان برای اسرائیل مشخص شده بود و چون ارتباطی دولتی وجود داشت، اسرائیلی‌ها می‌توانستند با روابط آشکار و مخفی با دولت‌های عربی، آنها را کنترل و محدود کنند؛ مثلاً سازمان آزادی بخش فلسطین مقری را در تونس هدف قرار داد و باعث شد فلسطینی‌ها از تونس اخراج شوند. در لبنان و در جریان جنگ ۱۹۸۲ نیز فلسطینی‌ها و یاسر عرفات را از لبنان اخراج کردند.

به‌هر حال، مبارزات سطح رسمی سازمان آزادی بخش فلسطین برای اسرائیل قابل کنترل و مدیریت بود، اما وقتی شخصیت‌هایی مانند جعفری و شیخ احمد یاسین در زندان و بیرون از زندان شروع به فعالیت کردند، سازمان‌های ناشناخته‌ای پدید آمده بودند که عرض و عمقشان برای اسرائیل مشخص نبود. اسرائیل گمان می‌کرد با شناسایی و ترور شخصیت‌های اصلی می‌تواند این جریان‌های اسلامی و مردمی را در نطفه خفه کند؛ بنابراین، استراتژی ترور یا زندانی کردن آنها را در پیش گرفت که درنهایت، به نتیجه نرسید چراکه این شخصیت‌ها از متن ایدئولوژی و جامعه

فلسطینی‌ها ارائه شده بودند و با شهادت هر کدام، افرادی دیگر فعالیت را پیگیری می‌کردند.

#### ◀ تأثیر درک گذشته حماس بر حمایت از مقاومت فلسطین

برای اینکه بتوانیم اندازه جنبش حماس را درک کنیم، لازم است بستر پیدایش و رشد آن و نیز نگرش‌های این جنبش را در ابعاد مختلف بررسی کنیم. ممکن است در این مسیر، به گرایش‌ها و تفاوت‌هایی برخوردیم که باید آنها را به‌دقت بشناسیم و این نکته را پیش چشم داشته باشیم که ما با تابلوی «آزادی فلسطین» حرکت می‌کنیم و نسبت افراد و سازمان‌ها را با این معیار می‌سنجیم؛ یعنی گروه‌های فلسطینی را دارای یک مأموریت (آزادی فلسطین) می‌دانیم و بر اساس این شاخص از سازمانی مانند حماس حمایت می‌کنیم؛ سازمانی که در متن تحولات، به شناخت‌های عمیقی رسیده و هر چه جلوتر آمده، به تفکر مقاومت در منطقه و تفکر انقلاب اسلامی نزدیک‌تر شده است و مطمئن هستیم در مسیر اقدامات جهادی در مبارزات خودش خالص‌تر و کامل‌تر می‌شود؛ بنابراین بدون دغدغه می‌توان از این جریان مقاومت حمایت کرد.

#### عملیات طوفان الاقصی و پاسخ به ۳ پرسش اساسی

رژیم صهیونیستی به هیچ وجه نمی‌تواند جنبش‌های مقاومت فلسطینی را از میان بردارد و یا از قدرت آنان بکاهد. غزه بیش از ۵/۲ میلیون نفر جمعیت هوادار مقاومت دارد. این جمعیت را نمی‌توان نابود و یا از این سرزمین اخراج نمود. سیاست اخراج این جمعیت حتماً با شکست مواجه می‌شود و اولتیماتوم‌های کنونی اسرائیل تأثیری بر مردم ندارد.

